

چهارشنبه ۲۵ دی ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۲۹۹ • ۷

روزنامه		
هنر • معماری		
معماری باید پاسخگوی اجتماع باشد	صفحه ۸	
حکایت ایران و اکسپوی میلان	صفحه ۹	
غواصی در دریای چین	صفحه ۱۰	

آکورد

خرددریزهایی درباره رفافت، موسیقی و شعر

او را اولین‌بار در شبی به‌یادماندنی، در یکی از میهمانی‌های منزل آقای حسن‌زاده دیدم. حسن‌زاده‌نازنین که از هر جهت نگاه کنی به واسطه سال‌ها فعالیت متمدای‌اش به‌عنوان مدیر نشر محترم «امروزید» بر گردن فرهنگ این مملکت حق‌ها دارد. از چاپ آن گزینه شعرهای معروف بگیر، تا همین فضای زندم‌ای که تا امروز به واسطه چاپ رمان، شعر و سایر کتاب‌ها بر آن نشر حاکم است. برای اینکه شاهد هم آورده باشم، دوست دارم همین‌جا پراتنزی باز کنم و ادای دینی کنم به یکی از بهترین رمان‌هایی که در سال‌های اخیر خوانده‌ام و لطفاً تا آن‌را بخوانداید این پراتنر را نبندید. رمان دفتر بزرگ از تریلوزی دولقوله، اثر گروتا کریستف و همین‌طور بخش دوشم مدرک؛ و بخش سومی که هنوز گمان نمی‌کنم مجوز چاپ گرفته باشد؛ بگذریم. داشتم درباره او می‌نوشت‌م که خیالم مرا با خود برد به آن میهمانی و بعد و بعدهاش، به هر حال کار خیال، بردن است و کار عقل هم بازگرداندن. بازگرداندن به مطلبی که قرار است درباره سروش قهرمانلو بنویسم. پس تخیر! این کار هم تنها به دست عقل میسر نخواهد شد و باید دست‌کم همان‌قدرها هم از جنون کمک بگیرم. چرا که هم سروش، هم ساز و هم موسیقی‌اش تلفیق درهم‌تنیده‌ای از جنون و عقل‌اند. همان‌طور که به یاد آوردم سروش را اولین‌بار در آن میهمانی دیدم، یا بهتر است بگویم:شنیدم.

ساز سروش همان ستار معمول بود، اما صدافقه بگویم صدایی که آن شب، خرده‌خرده از آن بیرون کشید ابتدا معمولی نبود. خرده‌هایی که اندک‌اندک بسیار شدند. نَت‌هایی که مرا می‌پرند به سوی همان نگاهی که درباره شعر به آن می‌اندیشم، که هر شعر باید مثل گیاهی خم شود و به دانه درون خودش نگاه کند. ظرفیت‌های آن را بشناسد و صرفاً براساس همان ظرفیت‌ها خود را گسترش دهد. یعنی بر اساس طبیعت



خاص خودش، خود را از درون به بیرون شکل دهد و نه بالعکس. چرا که اصالت درون از ویژگی‌های زمان ماست و دست‌کم هنری که بر این اساس شکل می‌گیرد و فرم پیدا می‌کند، یقیناً با زیباشناسی امروز سازگارتر است. یعنی هنری که قوانینش را، خود از درون می‌آفرند. و تنها خود، پاسخگوی رفتار خود است. هنری که قواعد بیرونی را به فراخور خود می‌پذیرد، به فراخور خود می‌شکند و به فراخور خود ارتقا می‌دهد و باز می‌آفریند. به هر حال سسه‌تار سسروش در آن شب مثل گیاه کوچکی بود که جوانه می‌زد و شاخه‌های ظریفش را بر اساس آنچه از درونش شکل می‌گرفت و بیرون می‌آمد، رشد می‌داد. شاخه‌ها می‌انستند کجا بایستند و کجا به حرکت خود در گوشه و کنار خانه آقای حسن‌زاده و درلاپ‌لای حال و هوای میهمانان آن‌شب ادامه دهند. میهمانانی چون سیمین بهبهانی عزیز، ضیاء محمد نازنین و دیگرانی که هرکدام، خود بسیار بودند. بعد هم شعرهایی خوانده شد که سروش با همان مهربانی همیشگی‌اش آمد، کنارم نشست و گفت این شعرها را پیشتر شنیده بوده و خوانده بوده و دیگر لطف داشت و من هم همان شب درباره حال متفاوت موسیقی‌اش گفتم و خلاصه گویا رفافت ما ناگزیر بود، چرا که ما چه می‌خواستیم و چه نه، گویا دیگرانی که شعر و موسیقی‌مان بودند، پیش‌دستی کرده و قرار رفافت را پیش از ما با هم گذاشته‌بودند.

خوشبختانه این داستان رفافت ادامه پیدا کرد و امروز دیگر برای خود رُماتی است که باسروش مشغول نوشتن جلد چندمش هستیم. سروش قهرمانلو در ادامه مسیر با رفافتی خوبی چون آرش و کیکاووس و دیگران گروه نیوش را راه‌اندازی کرد و آن جنون و جسارت راهنشدنی‌اش را در حوزه موسیقی به تک‌تک بچه‌های گروه هم منتقل کرد. حاصل کار هم تا امروز قلمطای متفاوت است که یقین دارم کم‌کم جای واقعی خود را در حافظه موسیقی امروز خواهد یافت. صدایی تازه با رگه‌هایی از تلفیقی طبیعی. و وقتی می‌گویم طبیعی یعنی تلفیقی که از درون شکل گرفته است نه صرفاً کنار هم قراردادن چند ساز در ترکیبی نامتعارف، و اگر صرفاً همین باشد بیشتر تحمیلی است تا طبیعی. منظورم این است که به گمان به موسیقی تلفیقی کنار هم چین سبب و پرتقال در یک ظرف نیست، بلکه پیوند درخت سبب و درخت پرتقال است تا میوه‌ای نو با عطر و طعمی تازه رقم بخورد. پس زمان را از دست ندهید و در اولین فرصت میوه‌های درخت نیوش را نوش‌جان کنید.



روزنامه		
هنر • معماری		
معماری باید پاسخگوی اجتماع باشد	صفحه ۸	
حکایت ایران و اکسپوی میلان	صفحه ۹	
غواصی در دریای چین	صفحه ۱۰	

ربع پرده

«نیوش» و هنر هفت‌نشان

ایوب رشیدیان

هنر هفت‌نشان در گرو چیست؟ امروزه جهان ما بیش از پیش در تیوناب تغییر به‌سر می‌پرد؛ به‌گونه‌ای که موسیقی به‌عنوان مبغی فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی و اقتصادی راه گریزی جز تغییر در این‌ورطه ندارد. حال در دیار ما چه بر سر این هنر هفت‌نشان می‌گذرد؟ مدتی است که گذشته و حال موسیقی ما در واژه «تلفیق» هم‌پیمان شده‌اند تا بتوانند علاوه بر میراث‌داری موسیقی سنتی چهارم‌ای جدید بسا ترکیب نوهای گوناگون از فرهنگ‌های مختلف ایجاد کنند. در این راستا موزیسین‌ها یا به عرصه رقابت گذاشته‌اند تا هر کدام به میزان نبوغ خود سهمی در تغییر راهی که پیش‌روست، داشته باشند. سوال اینجاست که آیا تنها نبوغ در این عرصه برای شکوفایی موزیسین و خلق اثری نو کافی است؟ متأسفانه در دیار ما جواب خیر است.

مدتی پیش حال و هوای موسیقی گروهی که به‌طور فعال در داخل کشور مشغول به فعالیت هستند نظرم را به خود جلب کرد، موسیقی سبک‌آشنایی که مدتها زمزمه‌اش با من عجین بود ولی برای بسیاری از مشتاقان موسیقی به‌نظر سسبکی‌نو در این عرصه بود ولی جز اقتباسی از موسیقی کالزمز که خواننده‌ای با اشعارای به زبان فارسی آن‌را همراهی می‌کرد چیز دیگری نبود. ولی چرا هیچ‌گاه از «کالزمز» که سبکی از موسیقی یهودیانی را داراست و اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از اروپایی‌شرقی فرار کردند و به آمریکا رفتند سخنی به میان نمی‌آید؟ آیا از کم‌لطفی‌دوستان به‌این سبک موسیقی است یا عوامل دیگری دخیل‌اند؟

در گوشه‌ای دیگر با گروه «نیوش» که با توجه به ابتکار و خلاقیت در ساز ایرانی و استفاده از اشعارای با مضامینی درخو و فرهنگ ما در سبک موسیقی «راک» مشغول به فعالیت بودند آشنا شدم که به‌گونه‌ای دیگر ما تحت‌تاثیر قرار دادند؛ هر چند هیچ‌گاه به جد، تلاشی برای معرفی و حمایت از آنان دیده نشد. آنکه با معرفی و حمایت از آنان دیده نشد. مجال اشاره به تملای عزیزی که در این زمینه فعال هستند، نبود، ولی به امید آنکه با توجه به حرکت سریع جهان ما در وادی تغییر در کلیه ابعاد، عوامل مربوطه نیز بیش از پیش در شناخت و حمایت این هنر هفت‌نشان و خادمان آن که مخاطبان فراوانی در دیار ما دارند کمر همت بسته و یاری کنند.

خبر

تاسیس انجمن گر ضروری است
ایستنا: میلاد عمرائلو رهبر گروه گر آواری تهران بر تاسیس انجمن گر می‌خواهم وضیعت کر در ایران سر و سامان بگیرد، تاسیس یک انجمن ضروری است که در آنجا اطلاعاتی درباره گروه‌های گر، رپرتوار و... ثبت شده باشد، او ادامه داد: اگر می‌خواهیم در زمینه آواز جمعی حرفی برای گفتن داشته باشیم، این اولین قدم است تا گروه‌های اینجیننی بتوانند در ایران فعالیت کنند. وی به برگزاری فستیوال تخصصی کر در ایران هم تاکید کرد و گفت: بهتر است فستیوال‌هایی در این راستا برگزار شود و کشورهای همسایه هم به آن دعوت شوند.



عکاس:

تصویر:

آرش قهرمانلو: البته معتقدیم همه تلفیق‌هایمان درست است. (با خنده) ممکن است شما با آن همراهی بیشتری کرده باشید چون برگرفته از دوقرصه کرامنجی است و چون ریتم رقص دارد حتی اگر شنیده باشید برای همه آشناست.

سروش قهرمانلو: من وامدار موسیقی فولکلور و موسیقی اصیل ایرانی هستم بااستاد یگانه دوتار خراسانی کار کرده‌ام و سال‌ها در گروه استاد ذوالفقون ستهار نواختم. استاد هوشنگ ظریف یکی از دلگرمی‌های من است. گاهی از من می‌خواهند «اتار نخل خنده» را برایشان بنوازم. برایم ارزشمند است که ایشان در این سطح به این قطعه علاقه دارند. نسل گذشته با ما همراهی می‌کنند و نسل بعدی هستند که هنوز متوجه نشده‌اند این اساتید که نامشان جلودانه شده چرا جلودانه شده‌اند. استاد ذوالفقون می‌گفتند: اما چیزی به نام موسیقی سنتی نداریم. هر کسی مدرن دوره خودش بوده، مثلاً آن زمان کسی درویش‌خان را قبول نداشته، حتی به قول ایشان قضیه مرگ درویش‌خان هم مشکوک است و احتمال صحنه‌سازی تصادف هم وجود دارد.

ا **به نظرم قطعه «اتار نخل خنده» پخته‌تر از قطعات دیگر است و ضعف میکس و مسترینگ در قطعات دیگر بیشتر به چشم می‌خورد، مثلاً در قطعه «کینه»...**

مختاری: قطعه «کینه» دمو است. در این قطعه حجم صدای ما آنقدر بالاست که میکس و مستر آن سخت است. میکس و مستر در ایران نسبت به موسیقی راک دنیا فاصله زیادی دارد. در حال حاضر کارهای پلپ ما به خوبی میکس مستر می‌شود. اما موزیک نیوش یک موسیقی جدید است. نگاه به این موسیقی تخصصی است و اگر شما به میکس ما ایراد می‌گیرید خودمان هم قبول داریم.

ا **چون به نظرم در این جنس از موسیقی میکس خیلی مهم است و اگر میکس خوب انجام نشود در صد زبای از کار دیده نمی‌شود...**

آرش قهرمانلو: در آلمان وقتی به «موزیک استور» رفتم متوجه شدیم چقدر از این حوزه عقب هستیم. خیلی از وسایلی که نیاز داشتیم جلوی چشممان بود، اما آنها را نمی‌شناختم.

ا **شما نمی‌توانید با یک تنظیم‌کننده غیر ایرانی همکاری کنید؟**
مختاری: اولین کار ما قطعه «کینه» بود که برای تئاتر ساخته شد. این قطعه و «سقف می‌ریزد» یکشنبه میکس شد. «اتار نخل خنده» آخرین کار ما بود و در آن به میکس بهتری رسیدیم. در چند قطعه قبلی بدون اینکه استودیوی شخصی داشته باشیم، کار کردیم. الان استودیو و زمان کافی داریم و به هزینه‌ها فکر نمی‌کنیم. چون شما وقتی می‌خواهید هزینه پرداخت کنید مدام نگران هستید و خیالتان راحت نیست. در واقع الان داریم به میکس شخصی خودمان می‌رسیم.

ا **به نظرم خواننده در نیوش شبیه راک می‌خواند تا اینکه صدایش راک باشد.**

منظورم فیزیک صدای خواننده است...

مختاری: سروش جنس صدای خودش را به لحن و ملودی تبدیل می‌کند و باحس درونی خودش می‌خواند. سروش اصلاً تقلید نمی‌کند.

ا **در قسمت‌های سنتی چطور؟**
سروش قهرمانلو: برعبره ایرانی است، نه سنتی. من ربع‌پرده می‌خوانم همان‌طور که با ستهار الکتریک ربع‌پرده می‌نوازم.

در موسیقی فولکلور هم، تحریر به آن شکل حضور پرنگی ندارد، موسیقی مفاهی تعریف خودش را دارد. مقام حاصل ترکیب مشخصی از دو یا چند گوشه است که تکرار شود و در تکرار شدن مقام تولید می‌شود.

ا **امیدوارم رویکرد شما به کنسرت‌های خیابانی که به نوعی در اعتراض به قیمت‌های بالای بلیت‌ها کنسرت است، ادامه داشته باشد، چون به‌نظرم این یکی از مهمترین شاخصه‌های گروه نیوش است...**

آرش قهرمانلو: این کار یکی از پایه‌های گروه ماست. زمانی هنرمندان فکر می‌کردند در برج عاج نشسته و مردم باید هزینه کنند تا آنها را تماشا کنند. مگر شما چه چیزی را ارابه می‌کنید که مردم روی CD در منزل نمی‌توانند گوش کنند؟ مگر چنددرصد از مردم می‌توانند بلیت‌های گرانیقیمت کنسرت‌ها را خریداری کنند؟ خیلی‌ها به خاطر مشکلات اقتصادی اولین چیزی که از زندگی حذف می‌کنند موسیقی است. به این دلیل فکر کردیم بهتر است ما به سراغ مردم برویم، برای همین کنسرت‌های مترو را برگزار کردیم.

سروش قهرمانلو: در کنسرت ارزانیقیمت جمعیت زیادی شرکت می‌کنند و این با مجوزها منطبق نیست. در سال‌ها ظرفیت تماشاگران محدود است و سالن اگر ۴۰۰ نفر هم که باشند دست‌کم باید شیی پنج‌میلیون اجاره سالن بپردازند، هزینه تبلیغات و صادراتاری و چاپ بلیت و پوستر را هم اضافه کنید در نتیجه مجبور هستید قیمت بلیت‌ها را گران کنید. نیوش می‌خواهد اصلاً در سالن کنسرت اجرا نکند.

آرش قهرمانلو: ...اما اجازه این نوع اجراها را هم به ما نمی‌دهند. ما در اجرای خیابان شیخ‌بهای سه‌هزارنفر تماشاگر داشتیم؟

ا **مشکل امنیتیت وجودنیامد؟**

آرش قهرمانلو: اهالی مجتمع از طریق نیروی انتظامی و اماکن مجوز گرفته بودند، اما بعد وزارت ارشاد ما را بازخواست کرد به این دلیل که گزارش این اتفاق در رسانه‌های خارج بیشتر از ایران سروصدا کرده است. آن‌شب کنسرت‌های همزمان ما فروزشان نصف شد و همین هم برلمان مشکل‌ساز شد.

ا **یعنی به نظر شما مخاطبان آن کنسرت‌ها برای دیدن برنامه شما آمدند؟**

سروش قهرمانلو: آن کنسرت‌ها متعلق به مافیای موسیقی بود و بعد از آن اتفاق گروه ما باید کنترل می‌شد و حراست ما را احضار کرد. برای مترو هم ارشاد اجازه اجرا نمی‌داد اما فرهنگسرای مترو مجوز داد که در همین‌جا از آنها تشکر می‌کنیم. از خیلی از دوستان موزیسین خواستیم ما را همراهی کنند اما ما را منع می‌کردند و می‌گفتند این کار را نکنید. کلاس کارتان را حفظ کنید. اما کلاس کار که به مکان نیست در آماری که گرفتیم پنج‌هزارنفر تماشاگر در مترو داشتیم، یعنی هرشب حدود ۵۰۰، ۴۰۰ نفر. در مترو صدافیه هم به‌دلیل جمعیت زیاد برق را قطع کردند.

ادامه در صفحه ۱۱

بوده که در آسوشیت‌پرس از آن، برنامه‌ای تهیه و پخش کرده‌اند. البته قرار نیست یک ساز جای ساز دیگری را بگیرد ستهار جای خودش را دارد و ستهار افکت (الکتریک) جای خودش را.

ا **به‌نظر تان نیوش تا چه حد توانسته هویت مستقل خود را پیدا کند؟ چون به نظرم موسیقی نیوش مثل کلاژ است. مثلاً در قطعه «کینه» ما ابتدا صدای ارگ کلیسایی را می‌شنویم که نزدیک به موسیقی راک دهه ۷۰ و کارهای «جان لرد» و گروه «دیپ پرل» است و بعد وارد فضای موسیقی ترنس دهه ۹۰ می‌شویم...**

آرش قهرمانلو: نیوش دارای امضا و سبک خودش است. در کنسرت برلین صدابردارها و مردم به ما می‌گفتند این موسیقی اور جیتال است و مونه‌اش را شنیده‌اند. در «کلن» به موسیقی ما می‌گفتند راک دهه ۷۰ با طعم و پرده‌های موسیقی ایرانی، اما درباره بخش دوم سؤالاتن این اتفاق در تمام دنیا می‌افتد؛ اینکه ناگهان فضا تغییر می‌کند، در موسیقی گروه «پینک فلوید» و «ریور ساید» و کلا موسیقی‌های پراگرسو هم وجود دارد.

ا **اما به نظرم این تغییر فضای یکبار به صورت دائم، بیشتر از اینکه در خدمت موسیقی باشد، شنونده را اسر در گم می‌کند...**

آرش قهرمانلو: در هنر هر اتفاقی ممکن است بیفتد. بحث بر سر این است که آیا ما باید به دنبال سلیقه‌ها برویم یا سلیقه بسازیم؟ باید سوار موج شویم یا موج‌سازی کنیم؟ اکثراً موج‌سوری می‌کنند، اما ما می‌خواهیم موج خودمان را بسازیم. ما تا به حال بااینکه با نام گروه «نیوش» آلبومی نداده‌ایم، اما فقط از طریق کنسرت‌ها و اینترنرت توانسته‌ایم تعداد زیادی مخاطب جذب کنیم و این موفقیت فقط از طریق موسیقیمان به دست آمده و نه با استفاده از رانته‌ها و پله‌های غیرموسیقایی.

سروش قهرمانلو: در مورد قطع و وصل‌های قطعات دیگر باید بگویم ما این کار را از روی عمد و آگاهانه انجام داده‌ایم. مثلاً در آهنگ «کینه» شما باید توجه کنید که آهنگی که شنیده‌اید برای موسیقی تئاتر کار شده و باید ویژگی‌های موسیقی تئاتر را داشته باشد، اگر شما احساس نزدیکی نمی‌کنید شاید ما می‌خواستیم به مفهوم شعر دقت کنید مثلاً در آهنگی که روی شعر علی تدین، با مطلع «به روزهای غمونی و تن ادامه بده» به دست و پا زدنت در لحن ادامه بده، این موزیک ناگهان قطع می‌شود طوری که شما شوکه می‌شوید و منظر هستند که ما ادامه بدهیم و این وقتی روی صحنه اجرا می‌شود باعث می‌شود که مردم از ما بخواهند و با صدای بلند بگویند «ادامه بده» و دوباره موسیقی شروع می‌شود. نیوش به موسیقی با تصویر نگاه می‌کند. ما دغدغه داریم که آهنگ می‌سازیم موسیقی ما سعی می‌کند مشکلات اجتماعی را روایت کند.

زمانی هنرمندان فکر می‌کردند در برج عاج نشسته و مردم باید هزینه کنند تا آنها را تماشا کنند. مگر شما چه چیزی را ارابه می‌کنید که مردم روی CD در منزل نمی‌توانند گوش کنند؟ مگر چنددرصد از مردم می‌توانند بلیت‌ها را خریداری کنند؟ خیلی‌ها به خاطر مشکلات اقتصادی اولین چیزی که از زندگی حذف می‌کنند موسیقی است

ا **حالا که بحث شعر و دغدغه اجتماعی شد می‌خواستم بگویم در قطعه «سقف می‌ریزد» کار کرد اجتماعی جالبی از شعر «باز باران یا ترانه» گرفته بودید و به نظرم ساختار شکنی، بیشتر در شعر اتفاق افتاده بود تا در موسیقی...**

بردیا یوسفی (نوازنده گیتارباس): هوشمندی نیوش این بوده که در جهت شعر حرکت کرده و باعث تشنده موسیقی شعر را نادیده بگیرد. سادگی یکی از پایه‌های اصلی کار ماست. وقتی این قطعه برای جشنواره وومد (womad) انتخاب شد کسی ترجمه فارسی را آن‌زمانی‌دانست. شما این ساختار شکنی شعرى را حسن کرده‌اید و آنها موسیقی را.

آرش قهرمانلو: جالب است ما در آلمان چندبار کنسرت داشتیم و خیلی‌ها فارسی نمی‌دانستند. اما در عین حال ما با به فارسی، هنجوانی می‌کردند.

ا **در مورد اشعارى که استفاده می‌کنید، آیا به این فکر می‌کنید که مجوز می‌گیرند یا نه؟**

سروش قهرمانلو: وقتی می‌خواستیم برای شعرى از مولانا مجوز بگیریم، گفتند: این شعر برای مولانا نیست و بعد که ثابت شد شعر مولاناست، گفتند: با اینکه دارای مضامین ضعیفی است به احترام مولانا، مجوز داده می‌شود! بعد به بعضی کارهای ضعیف، بدون مشکل مجوز می‌دهند. من به‌عنوان یک موزیسین علاقمی ندارم به ساختمان بخش موسیقی وزارت بروم، چون مدام می‌خواهند که تو در رفت‌وآمد بلانی و در آخر بگویند نه. نهادهای نظارتی نباید سعی کند ما را به خودشان وابسته کنند. ما باید احساس امنیت کنیم. دوست داریم اگر تییغی وجود دارد، برای همه ببرد نه فقط برای بعضی‌ها.

آرش قهرمانلو: مثلاً نظارتی هم عامل اصلی این موضوع نیست، چیزی به نام مافیای موسیقی است که این کارها را انجام می‌دهد، مثلاً به مجله‌ای می‌گویند که مصاحبه‌ای که خودشان با ما ترتیب دادند را کنار بگذارند و مقاله گروهی که خودشان از آنها حمایت می‌کنند را جایگزین کنند.

ا **چه افرادی دارید که یک نفر هم‌زمان هم دف و هم درام بنوازد؟**

سهراب فتحعلی‌زاده (نوازنده سازهای کوبه‌ای): وسعت صداهای سازهای کوبه‌ای در موسیقی ایرانی محدود است. ما برای وسعت‌دادن به حجم صدای کوبه‌ای مجبور هستیم این کار را انجام دهیم. اما نگاه ما تلفیقی از موسیقی ایرانی و غربی است. در اصل به دنبال صدای نو هستیم. جاهایی است که دف نواخته می‌شود، اما هم‌زمان با کیبکاس‌وهافت صدایی از آن گرفته می‌شود که ترکیبی از درام و دف و دمام و کوزه هست. با این کار لحن ایرانی حفظ می‌شود که برای ما مهم است.

ا **قسمت خراسانی در «اتار نخل خنده» تلفیق درستی با قسمت غربی داشت...**



گروه موسیقی «نیوش» در گفت‌وگو با «شرق»:

به ما گفتند اشعار «مولانا» ضعیف است



مرجان صابنی

ممکن است در یکی از سفرهای درون‌شهری با مترو یا در برخی مراسم‌های خبریه، موسیقی «نیوش» را بشنوید؛ گروهی با یک سازبندی نا آشنا و استفاده از سازی به‌نام «سته‌تار الکتریک» که ساخته سروش قهرمانلو است. «نیوشی»‌ها می‌گویند موسیقی آنها تلفیقی از موسیقی سنتی، راک و فولکلور است. البته نقدهایی به موسیقی گروه «نیوش» وارد است که خیلی صریح با آنها در میان گذاشتیم. بهانه گپ ما با اعضای گروه نیوش اجرای خبریه این گروه به نفع بیماران ام‌اس در کهر بزرگ بود و اجراهای خیابانی‌شان که در واقع اعتراضی بوده به بلیت‌های صد هزار تومانی کنسرت‌های موسیقی.

ا **به نظرم موسیقی نیوش وام‌گرفته از موسیقی راک است، اما قواعد اصلی موسیقی راک در موسیقی شما رعایت نشده...**

آرش قهرمانلو: راک به نظر من یک سبک نیست، بلکه یک فرهنگ است. **سروش قهرمانلو** (خواننده و نوازنده ستهار الکتریک): دقیقاً همین‌طور است که می‌فرمایید و قرار هم نیست که در موسیقی نیوش شما همان قواعد همیشگی را بشنوید، تحول شعر کهن در دوران مشروطه از طریق ترانه‌ها و کلماتی بود که مرحوم «عارف» وارد شعر ما کرد و کارکردی از تصنیف گرفت که تا آن‌زمان مرسوم نبود. این بدست‌مان بین موسیقی و شعر و آشنایی با ترجمه اشعار غربی در نهایت به نیما رسید. ما از فرم راک استفاده کردیم، اما درون موسیقی ما ربع‌پرده‌ها سر جای خودش است، ولی در عین حال ما راک می‌نوازیم. فرم بیرونی کار ما از موسیقی راک گرفته شده و فرم درونی آن تلفیقی است.

آرش آردفروشان (نوازنده گیتار): ما سعی کرده‌ایم صدای نویی از موسیقی غربی داشته باشیم. در سازبندی به‌خاطر جنس صدایی که به کار ما کمک می‌کند از سبک‌های گذشته استفاده می‌کنیم. کار کیکاووس مختاری، روند جدیدی است که تا به حال استفاده نشده.

سروش قهرمانلو: به نظرم دلیلی ندارد بعد از یک اکورد، حتماً اکورد خاصی کار شود. در مارمونی گروه سعی می‌کنیم ساختار شکنی کنیم.

ا **تفکری که این ساختار شکنی براساس آن اتفاق می‌افتد چیست؟**
کیکاووس مختاری (تنظیم‌کننده): پایه اصلی تنظیمات ما برپایه موسیقی غربی و هارمونی کلاسیک است. مثلاً در موسیقی جاز، اکوردهای چهار صدایی هستند که پشت‌سرهم آورده می‌شوند، اما در موسیقی کلاسیک رد می‌شدند گروه «پیتلز» از سیکل اکوردهایی استفاده می‌کرد که پیش از این گروه وجود نداشت ولی الان کارشان مرجع شده.

ا **شما لید گیتار موسیقی راک را به ستهار افکت می‌نوازید که نه ما را به فضای سنتی نزدیک می‌کند و نه صدای گیتار الکترونیک دارد...**

آرش قهرمانلو: خوب یعنی نه این است و نه آن، یعنی خودش است. موسیقی سنتی با صدای سنتی متفاوت است.

آردفروشان: شما را کودکی صداهای را شنیده‌اید و برایتان جالب‌افته است. باید اجازه دهید به مرور زمان این موسیقی جای جدیدی در حافظه شنیداری شما ایجاد کند **آرش قهرمانلو:** خیلی‌ها تصور می‌کنند با سازهای متفاوت از کشورهای مختلف می‌توانند موسیقی تلفیقی بسازند، اما نگاه گروه «نیوش» سازم‌جور نیست. اگر این‌طور باشد استاد کیوان ساکت وقتی با تار، آتار باخ را می‌نوازد پس موسیقی تلفیقی ایجاد می‌کند. در حقیقت تلفیق، گفت‌وگویی بین چند تئوری موسیقی است. نیوش اصالت را بر اساس قانون و تئوری موسیقی می‌گذارد. در تلفیق، موسیقی‌های مختلف قابل تفکیک نیستند، یعنی اگر جدا شوند نباید هویت فردی داشته باشند.

مختاری: به‌طور مثال گیتار و ویلن سل سازهای غربی هستند که خیلی‌ها روی آن ایرانی می‌خوانند و اگر خواننده حذف شود موزیک کاملاً غربی است! صرف کلام فارسی هم که نمی‌توان به تلفیق رسید. در بطن موسیقی هم باید این اتفاق بیفتد، پس تلفیق به لحن خواننده و زبان و لهجه نیست. به تئوری موسیقی بستگی دارد.

سروش قهرمانلو: در کارهای ما قرار است تئوری موسیقی ایرانی با موسیقی غربی با هم وارد یک ساختار جدید شود.

ا **البته به نوع اجرای خواننده هم نقد دارم ولی فعلاً به نوع تلفیق در موسیقی نیوش پیرداریم. در کدام قسمت از تئوری موسیقی ایرانی این اتفاق افتاده؟**

مختاری: اصلاً ساخت «سته‌تار الکتریک» یک تلفیق است، چون ما صدای یک‌ساز الکتریک با فواصل ایرانی می‌شنویم، اما افکتی که زیر پایش است یک وسیله برای آرش قهرمانلو است.

ا **آلبوم «خاطرم در آتش است» متعلق به چندسال قبل است چرا تا به‌حال کسی از آن‌ستار الکتریک استفاده نکرده؟**

سروش قهرمانلو: اول باید شنوندۀ این ساز را به وجود بیاوریم. همان‌طور که سازهای استاد شجریان را که خودشان ساخته‌اند کسی استفاده نمی‌کند. **مختاری:** صحبت سر این است که آگهی کسی بخواهد این آهنگ سروش را اجرا کند باید از ستهار افکت استفاده کند. آقای زاهه می‌گفتند من فلان ساز را ساختم‌ام و آقای الهامیان به ایشان گفت آیا قطعه‌ای ساخته شده که با این ساز اجرا شود؟

ا **ممکن است از این ساز در یک گروه غیر ایرانی استفاده شود؟**

آرش قهرمانلو: به یک گروه آلمانی آن را سفارش داده‌اند. این ساز آنقدر جالب